

پاسخ به چند پرسش درباره ترجمه

علی صلح جو

این پرسشهایی است که در پرسش نامه خانم هانیه سیف/ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مطالعات ترجمه در دانشگاه علامه طباطبائی، آمده است و از من خواسته‌اند که به آنها پاسخ دهم. این پرسش نامه را ایشان برای نوشتن رساله خود تنظیم کرده‌اند. پرسشهای ایشان نشان می‌دهد که از روی تعمق پیدا شده‌اند. پس در پاسخ دادن به آنها، با خود گفتم شاید پرسشها و پاسخ من به آنها برای دانشجویان رشته ترجمه مفید باشد و در نتیجه بهتر است آن را منتشر کنم.

- چه نوع طبقه‌بندی برای ویرایش قابل هستید؟ یک متن ترجمه شده چه ویرایشهایی را از سر می‌گذرانند: محتوایی، ساختاری، زبانی، صوری؟

از همین چهار مرحله بالا باید بگذرد. صحت و سقم محتوا باید بررسی شود. از ساختار درستی برخوردار باشد. اشکال زبانی نداشته باشد. نکات صوری نگارش در آن رعایت شده باشد. دو مورد اول (بررسی صحت و سقم و داشتن ساختار درست) مربوط می‌شود به آثار تألیفی فارسی زیرا آثار غربی عموماً، از این لحاظ مسئله‌ای ندارند. صحت و سقم ایدئولوژیکی آثار غربی در حوزه فلسفه و دین به ویراستار، به معنای متعارف کلمه، ربطی ندارد.

- خطاهای ترجمه که مستلزم ویرایش هستند از نظر شما کدام است؟

خطاها نیز به همان حوزه چهارگانه بالا برمی‌گردد. به عبارت دیگر، نوشته ممکن است در هر یک از جنبه‌های بالا اشکال داشته باشد. البته، این بدان معنی نیست که اشکالات هر چهار حوزه را فقط یک ویراستار باید برطرف کند.

- آیا ویرایش واحد دارد؟ اگر دارد، از نظر شما چیست؟

واحد ویرایش در ویرایش محتوایی و ساختاری کل اثر است. در ویرایش زبانی، واحد ویرایش اساساً به واحد تولید اثر برمی‌گردد. مثلاً، در ویرایش فرهنگ دو زبانه، واحد کلمه است، زیرا باید در برابر هر کلمه یا اصطلاح زبان مبدأ کلمه یا اصطلاحی در زبان مقصد قرار داد. از طرف دیگر، در ترجمه یک قطعه شعر نو، چه بسا مترجم کل قطعه را واحد گرفته باشد و، در نتیجه، ویراستار نیز باید از او - خالق دوم اثر - تبعیت کند. اما، عموماً، واحد ویرایش همان جمله است، منتها جمله‌ای که خود زیر فشار گفتمانی متن قرار داد. گاه تشعشعات متن

تغییراتی در جمله پدید می‌آورد و این تا حدی همان چیزی است که سبک را می‌سازد. بنابراین، می‌توان گفت که واحد ترجمه جمله است همراه با رعایت اقتضاهای متنی.

- از نظر ویراستاران، معیار ترجمه خوب چیست؟

- ترجمه خوب آن است که روان، تا حد ممکن دقیق، و در حوزه سبکی اصل اثر باشد. ترجمه‌ای که خارج از هنجارهای زبان مقصد باشد آسان خوانده نمی‌شود و نوشته‌ای که آسان خوانده نشود - البته برای اهلش - فاقد ویژگیهای متنی است. دقت نیز حدود دارد. گاه زبان در برابر انتقال برخی ظرایف معنایی مقاومت می‌کند؛ به نظر نمی‌رسد قربانی کردن زبان برای دست یافتن به آن دقایق درست باشد. در واقع، چیزی به دست نمی‌آید. اساساً، نظر ویراستار و مترجم درباره ترجمه خوب یکسان است. اما، از آنجا که کار ویراستار برطرف کردن مشکلات موجود در ترجمه است، هر قدر متن ترجمه اشکالات کمتری داشته باشد، ترجمه بهتری است. - از نظر شما، ترجمه در چه سطوحی از زبان (کلمه، جمله، پاراگراف، متن) می‌تواند با متن معادل باشد؟

پاسخ به این پرسش تا حد زیادی در پرسش سوم آمده است. واحد ترجمه اساساً جمله است، اما نظام متنی زبانهای گوناگون گاه سبب می‌شود که چند جمله از یک زبان به یک جمله یا، برعکس، یک جمله از زبانی به چند جمله در زبانی دیگر ترجمه شود. البته، در اینجا، منظور از جمله قطعه‌ای است که بین دو نقطه قرار می‌گیرد، نه جمله به معنای دستوری آن.

- آیا جنبه زیبایی‌شناختی ترجمه در ویرایش اهمیت دارد؟ اگر بله، در چه متونی؟

بدون توجه به زیبایی‌شناسی متن، نمی‌توان آن را ترجمه کرد. این همان چیزی است که ترجمه ماشینی را در عرصه محدودی نگه داشته است. ویرایش نیز، بدون در نظر گرفتن این جنبه هنری، تا حد کشتن اثر ممکن است پیش رود. ویراستار، در درجه اول، باید حال و هوای اثر را دریابد؛ هر تغییری در اثر باید درون این چارچوب باشد. آثار بیهقی، مولانا، فردوسی، خیام، حافظ، در آن سو، و آل احمد، گلستان، گلشیری، دولت آبادی و روانی‌پور، در این سو، زیبایی‌شناسی‌های گوناگونی‌اند که دست بردن در آنها، بدون شناخت دستگاه زیبایی‌شناختی شان، بود و نبود اثر را تهدید می‌کند. اگر ویرایش را به رساندن متن به حد مطلوب از هر نظر بدانیم، ویرایش متن ترجمه و تالیف تفاوتی ندارند. ●